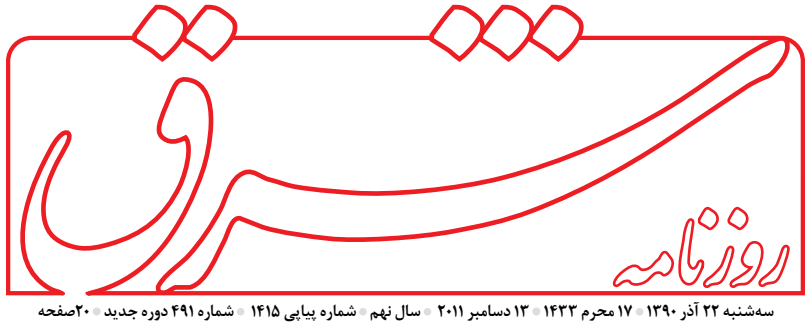




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نمایر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳ نمایر: ۸۸۸۱۳۷۹
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روز تاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewsaper.ir

تهران: آذان ظهر ۱۱:۵۸ آذان مغرب ۱۷:۱۲ آذان صبح فردا ۵:۳۶ طلوع آفتاب ۷:۰۶



سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۰ ۱۷ محرم ۱۴۳۲ ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱ سال نهم شماره پیاپی ۱۴۱۵ شماره ۴۹۱ دوره جدید ۲۰صفحه

پژوهش مایکروسافت برای مبارزه با ایدز

پژوهشگران شرکت مایکروسافت متوجه شده‌اند که به کمک سیستم فیلترینگ اسپم می‌توان سازوکار تأثیرگذاری ویروس ایدز بر سیستم ایمنی بدن را بهتر درک کرد. چندی پیش دو پژوهشگر مایکروسافت متوجه شدند که الگوریتم مایکروسافت برای مقابله با اسپم‌ها کمک زیادی به درک چگونگی جهش و دگرگونی ویروس ایدز می‌کند. به گفته این پژوهشگران، با آموختن سازوکار فیلتر کردن اسپم‌ها در ایمیل بهتر می‌توان نقطه‌ضعف روش‌های احتمالی درمان و تولید واکسن ایدز را شناخت و آن را برطرف کرد.



محکمه

عقرب ساوه و سنگ مستراح

جهانگیر هدایت

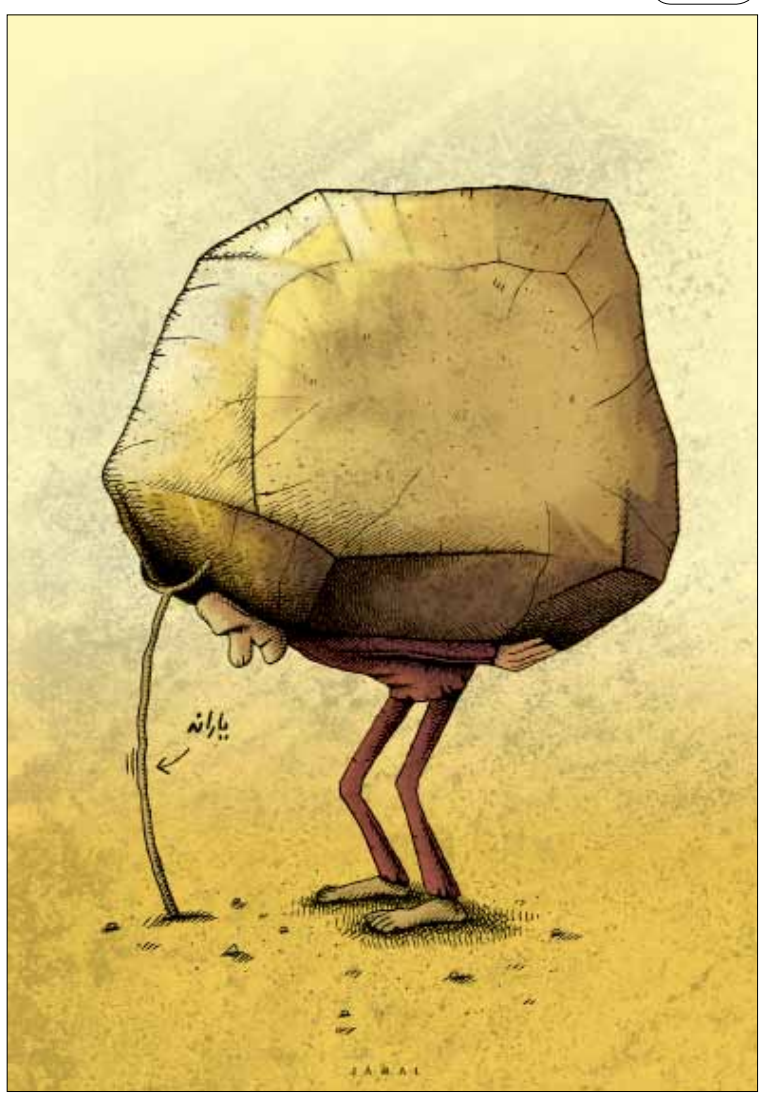


■ دفع فضولات در دهات مساله مهمی بود. هر خانه چاهی داشت برای این منظور و بالای آنجایی که اهالی می‌نشستند بسیار نامطلوب بود که از نظر بهداشتی مسایل مشکلی را ایجاد می‌کرد. برای تخفیف این مشکل ما یک سنگ مستراح بهداشتی از سسیمان ساختمیم که روستایی‌ها آن را بالای چاه مستراح نصب کنند و مسایل بهداشتی رعایت شود. ما این سنگ را مجانی به هر خانه دادیم ولی نصب آن با صاحب‌خانه بود. من نمی‌دانم چه شد که صاحبان خانه‌ها سنگ‌های مستراح را نصب نکردند و آن را در کناری نگه داشتند بعد وقتی دختر آنها به خانه بخت می‌رفت آن سنگ را هم به‌عنوان قسمتی از جهیزیه دختر به خانه دلماد می‌فرستادند از عجایب آنکه دلماد هم سنگ را نصب نمی‌کرد و قطعا می‌خواست بیست سال صبر کند تا دخترش را شوهر بدهد و سنگ توالیت را از جهیزیه بفروست خانه دلمادش. من هرچه سعی و صحبت کردم و دلیل و برهان آوردم به جایی نرسیدم و سنگ ادایابی اداره بهداشت بلامصرف ماند که ماند! منطقه ساوه از مناطق فعالیت من بود و تمام دهات را می‌رفتم و می‌شناختم. گرچه عقرب قم و کاشان معروف است، اما عقرب ساوه خود داستانی است نوعی عقرب درشت هیكل بسیار سمی است. اطراف ساوه روی تپه‌ها سوراخ‌های بسیاری دیده می‌شد. اگر توی سوراخ‌ها آب می‌ریختیم بلافاصله عقرب‌ها می‌آمدند بیرون. ما از ترس شب‌ها توی پشه‌بند می‌خوابیدیم یا پایه‌های تخت چوبی را توی ظرف آب می‌گذاشتیم که عقرب نتواند از آن بگذرد. ما انواع و اقسام عقرب‌ها را گرفته بودیم و توی شیشه الکل کرده فرستاده بودیم تهران که آزمایش‌های لازم را روی آنها انجام بدهند.وسط تابستان بود. بعدازظهر من و دکتر مرکز بهداشت نشسته بودیم بازی می‌کردیم. ناگهان خبر دادند دختر جوانی را عقرب گزیده. من پریدم نشستم پشت فرمان و دکتر هم کیفش را برداشته با راهنما عازم محل شدیم. محل نزدیک بود و رسیدیم. دختر جوان ۱۸ساله‌ای در اتاقش افتاده بود. عقرب را کشته بودند ولی چه فایده؟ چون دختر جوان هم مرده بود!

کارتون‌خواب

جمال رحمتی

jamalrahmati@yahoo.com



کافه نظر

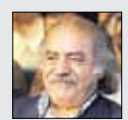
دودکش مترو در حلق تئاتر شهر

پوریا سوری: دوباره تئاتر شهر و مترو به هم رسیده‌اند. دوباره بنای مدرن مترو، خیز برداشته تا حریم تاریخی و فرهنگی تئاتر شهر را تصرف کند و در این میان دست اهالی فرهنگ باز هم کوتاه مانده است. این‌بار مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو خس سینمایش را صاف کرده و با تیغی بران گفته است: «محدوده تئاتر شهر مالکیت خصوصی ندارد و متعلق به کسی نیست. مجموعه تئاتر شهر، ملک عمومی و متعلق به شهرداری است و ما برای احداث هواکش مترو از قبل پایه‌های آن را محصور کرده و از طریق نصب تابلو از فعالیت عمرانی در این محوطه خبر داده بودیم.» و گفته است: «امروز مسوولان تئاتری و هنری کشور نمی‌توانند ادعا کنند که از فعالیت عمرانی بی‌خبر بوده‌اند. مجموعه تئاتر شهر از مدتی پیش محصور و تابلو در محدوده آن نصب شده بود. در پایان این روند، کار عمرانی آن هم از چند روز پیش شروع شده.» و در اظهارنظری سوال‌برانگیز تأکید کرده است: «مسوولان ارشاد از سه سال گذشته می‌دانستند که عملیات عمرانی دیگری در این مکان صورت می‌گیرد. با این وجود، من نمی‌دانم که اعتراض مسوولان ارشاد برای چیست؟!» از اسرار مگو و پنهانی و احتمالا توقافات درونی که بگذریم آنچه واضح و مبرهن است آن است که باز هم صدای دوستداران میراث‌فرهنگی و ملی کشور کوتاه‌تر از آن است که بخواهد یادآوری کند در تمام ممالک دنیا بافت تاریخی شهر را با دودکش مترو آذین نمی‌بندند. این اظهارات مدیر مترو غیر فرهنگی و غیرمسئولانه و با وجود توقافات انجام شده است (تصویر توقافات صورت‌گرفته بین مدیران شهری و تئاتری‌ها در دفتر روزنامه موجود است، تصاویری که خلاف نظر «قلی‌ها» را تأیید می‌کند).
نظر شما درباره اظهارات «قلی‌ها»، مدیرعامل بهره‌برداری مترو چیست، این اظهارات را مسوولانه می‌دانید یا خیر؟
و فکر می‌کنید چه عملی موجب می‌شود که یک مدیر میانی به خودش اجازه تصرف فرهنگی و تاریخی شهر را عرصه عمومی بخواند و قصد تخریب آن را داشته باشد؟ و در پایان چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنید که این ماجرای تاسف‌بار برای یک‌بار هم که شده به نفع میراث معنوی و فرهنگی کشور خاتمه پیدا کند!



بهزاد فراهانی: کارگردان و بازیگر تئاتر

به تصور من، شهردار تهران- آقای قالیباف- باید خودشان در صف اول معترضان به این اتفاق باشند. حفظ و حراست از بناهای ملی ما از نخستین وظایف شهردار است. گذشته کاری ایشان نشانگر آن است که آقای قالیباف نسبت به هنر، بی‌علاقه و بی‌تفاوت نیستند و حتی به اعتقاد من گاهی جزو پیشاهنگان باری رساندن به هنر بودند. اینکه الان برخی از مسوولان شهرداری چنین نظری‌های صادر کرده و سلب مسوولیت کرده‌اند امیدوارم اندکی آقای قالیباف را به اندیشیدن وادار کند، چراکه «ما ز پاران چشم‌پاری داشتیم»



ایرج راد: مدیرعامل خانه‌تئاتر

اینکه مدیرعامل مترو گفت که اهالی تئاتر در جریان اتفاق‌هایی که در حاشیه تئاتر شهر و مترو رخ داده است بودند، اصلا صحیح نیست و واقعیت ندارد. به این دلیل که ما در همان زمان که موضوع ساخت ایستگاه مترو در مقابل تئاتر شهر مطرح و با مخالفت هنرمندان و اهالی تئاتر روبه‌رو شد جلسات متعددی با مدیرعامل مترو و مسوولان شهرداری منطقه ۱۱ داشتیم و نتیجه صحبت‌هایمان را هم در یک موافقت‌نامه رسمی تنظیم کردیم. این موافقت‌نامه موجود است و کسانی که آن را امضا کرده‌اند، هم حضور دارند و می‌توانند به آن استناد کنند. در آن زمان اصلا صحبتی از ساخت هواکش مترو و سازه‌های دیگری، در فضای بیرونی تئاتر شهر نبود. حتی در آن موافقت‌نامه قرار بود که ایستگاه مترو مقابل تئاتر شهر ساخته نشود و به ضلع جنوب شرقی پارک دانشجو منتقل شود. ما در همان زمان هم منکر و مخالف ساخت ایستگاه مترو نبودیم و ساخت ایستگاه را برای اعتبار تئاتر شهر ضروری می‌دانستیم. حرف تئاتری‌ها این بود که ایستگاه مترو در جایی ساخته شود که هم دسترسی به آن مناسب باشد و هم مقابل تئاتر شهر نباشد. حتی صحبت شد که اگر قرار است در مقابل تئاتر شهر ساخته شود از نظر ارتفاع به گونه‌ای طراحی نشود که منظر بصری تئاتر شهر را نه تنها به عنوان یک مرکز هنری بلکه به عنوان یک اثر ثبت‌شده ملی تحت تأثیر قرار دهد. در آن زمان حتی درباره نام این ایستگاه هم صحبت شد و در موافقت‌نامه هست که این ایستگاه را به عنوان ایستگاه تئاتر شهر نام‌گذاری کنند؛ اتفاقی که نیفتاد. اما اینکه گفته شده در مورد ساخت این هواکش صحبت شده به هیچ‌وجه توافقی نبوده است. متأسفانه در این سال‌ها ساختمان تئاتر شهر از هر طرف با ساخت‌وسازهای دیگری پوشش داده شده و به حاشیه رفته است. تئاتر شهر یک بنای ملی است و تا جایی که ما خبر داریم ساخت‌وسازهایی که در حاشیه آن انجام می‌شود باید موارد ایمنی و فرهنگی در آن رعایت شود و ساختمان‌هایی که در اطرافش هستند از یک ارتفاعی بالاتر نروند. خانه تئاتر نیز که مهم‌ترین صنف تئاتر نسبت به تئاتر شهر - به عنوان مهم‌ترین مرکز تئاتر کشور - به شمار می‌آید، حساسیت دارد و در جلسه دوشنبه هیات ریسه‌س خانه تئاتر این موضوع مطرح خواهد شد.



امان‌الله قزایی‌مقدم: جامعه‌شناس

چنین برخوردها و رفتارهایی تنها ریشه در برنامه‌ای دارد که تلاشی بر محرومیت و دور کردن مردم از هنر و به‌خصوص تئاتر است. تئاتر شهر بعد از سنگلج و تالار فرهنگ به منظور گسترش هنر تئاتر بنا شد که حالا چنین برخوردهای مسوولان حاکی از آن است که از گسترش پشتیبان شده و انگار به محدود کردن این هنر به عنوان موثرترین، مفیدترین و آموخته‌ترین وسیله جامعه‌شناسی ارتباطات می‌اندیشند. اگر به سخن شکسپیر برگردیم که می‌گفت: «جهان صحنه نمایش است که همه مردان و زنان صرفا بازیگران این صحنه هستند، از یک در وارد می‌شوند و از در دیگر صحنه را ترک می‌کنند». پس تئاتر، هنر زندگی کردن است و انگار نمی‌خواهند این «هنر» را مردم تماشاگر باشند و با حصار کشیدن اطراف ساختمان تئاتر شهر، می‌خواهند دست و پای هنر را ببندند.



نصرالله حدادی: تاریخ‌نگار شهری

طی این سال‌ها شهرداری و میراث‌فرهنگی به مثابه دو لبه یکپچی موفق شدند هویت شهر و شهرسازی را از چهره تهران بگیرند. این رفتار هم در راستای همان تخریب هویتی است. همین الان عمارت نصرالدوله (آصف‌الدوله) در خیابان امیرکبیر در حال از بین رفتن است که این بنا تنها بنای کاملی است که از دوران قاجار در تهران باقی مانده و هیچ‌کس خودش را مسوول رسیدگی به آن نمی‌داند. خانه ناصرالدین میرزا در خیابان سورسرافیل که تنها خانه منحصربه‌فرد تهران به لحاظ معماری است چون وسط بنا «هشتی» دارد، نیز به همین حال دچار است و هیچ‌کس خودش را مسوول نمی‌داند. هویت معماری تهران در حال از بین رفتن است و هیچ‌یک از مسوولان نه در شهرداری و نه در میراث‌فرهنگی به این موضوع اهمیت نمی‌دهند و تنها در پی بلندمرتبه‌سازی‌ها و برج‌سازی‌های بیشترند و روزبه‌روز چشم‌انداز شهر را کورت می‌کنند و هویتش را از بین می‌برند!



چطور می‌شود قلبی را پنهان کرد که این همه عاشق است

سفر در دناک دو شاعر جوان (الهام اسلامی) و (رضا بروسان) و دختر کوچکشان را به خانواده‌های داغدار و اهالی ادبیات امروز تسلیت می‌گوییم.

فاطمه‌راکعی- ساعدی‌قزایی- سهیل محمودی

عبدالجبار کاکایی- افشین‌اعلا- بیوک‌ملکی- فاطمه‌سالاروند

